

## رابطه علی تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی- گری تعارض زناشویی و رضایت زناشویی

کبری کاظمیان مقدم<sup>۱</sup>، مهناز مهربابی زاده هنرمند<sup>۲\*</sup>، علیرضا کیامنش<sup>۳</sup>، سیمین حسینیان<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۰

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، آزمون الگوی رابطه‌ی علی تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی‌گری تعارض زناشویی و رضایت زناشویی در دانشجویان بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بودند که از بین آن‌ها، به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌ای ۲۵۶ نفری انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای پژوهش از مقیاس دلزدگی زناشویی کایزر، پرسشنامه تمایز یافتگی خود بازبینی شده اسکورن، شاخص ارزشمندی زندگی باتیستا و آلموند، پرسشنامه بخشش رای، پرسشنامه تعارضات زناشویی تجدیدنظر شده ثنایی و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد. ارزیابی مدل پیشنهادی با استفاده از روش تحلیل مسیر انجام گرفت و جهت آزمون روابط غیرمستقیم از روش بوت استراپ (نرم افزار آموس) استفاده شد. نتایج نشان داد که تمام ضرایب مسیرهای مستقیم بین متغیرها، به جز مسیر مستقیم تمایز یافتگی به دلزدگی زناشویی، از لحاظ آماری معنی‌دار بودند. همچنین نتایج نشان داد مسیرهای غیرمستقیم تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی و رضایت زناشویی معنی‌دار بودند. در مجموع، نتایج پژوهش نشان داد که به نظر می‌رسد دلزدگی زناشویی پدیده پیچیده‌ای است که ضمن درگیر کردن بسیاری از زوج‌ها، از عوامل بسیاری از جمله معناداری زندگی، بخشودگی، تعارض زناشویی و رضایت زناشویی تاثیر می‌پذیرد.

**واژه‌های کلیدی:** تمایز یافتگی، معناداری زندگی، بخشودگی، دلزدگی زناشویی، تعارض زناشویی، رضایت زناشویی.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> - استاد گروه روانشناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

<sup>۳</sup> - استاد گروه روان‌شناسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> - استاد گروه مشاوره، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

\*- نویسنده مسئول مقاله: m\_mehrabizadeh@yahoo.com

## ۱- مقدمه

«یک مجموعه از عوامل باعث ایجاد تعارض در روابط زناشویی و کاهش میزان خشنودی و در نهایت عملکرد بهنجار زندگی زناشویی می گردد و گاهی به طلاق و جدایی منجر می شود» (Rahmatullahei, Fatehizadeh & Ahmadi, 2006). زندگی زناشویی یکی از جهانی ترین نیازهای بشری است که از دو نفر با توانایی ها و استعداد های متفاوت و با نیازها و علایق مختلف و در یک کلام با شخصیت های گوناگون تشکیل شده است (Goldenberg & Goldenberg, 2008, translated by Hussein Shahi baravati & et al, 2013). یک رابطه زناشویی صمیمی مستلزم آن است که زوجین یاد بگیرند با هم ارتباط برقرار کنند و با هم متفاوت باشند.

Kayser (۱۹۹۳) از اولین کسانی است که اشاره می کند دزدگی زناشویی<sup>۱</sup> فرآیند زوال مراقبت، صمیمیت و دلبستگی در یک ازدواج است که احتمالاً ناشی از انباشت ناامیدی ها و تعارض های مختلف است. این حالت با اندیشه های طلاق در ارتباط است، اما لزوماً ارتباط نیرومندی با انحلال رابطه زناشویی ندارد. دزدگی، فرآیندی است که در آن عشق، سرد شده و تمایل به ترک ازدواج و همسری که آسیب دیده، جایگزین عشق سابق می شود. دزدگی شامل قطع ناخواسته روابط عاشقانه و عاطفی می شود. همه ازدواج ها تا جایی پیش می روند که عشق، سرد شده و از عمق آن کاسته شود. زمانی که یک ازدواج دچار دردسر می شود، هر دو طرف آسیب می بینند و بسیاری اوقات حتی نمی دانند که کجا اشتباه شده است (Clinton &, 2009).

یکی از ایده های مرتبط با توانایی فرد برای رسیدن به صمیمیت<sup>۲</sup>، «تمایز یافتگی<sup>۳</sup>» بوئن<sup>۴</sup> است. تمایز یافتگی شامل توانایی فرد برای باقی ماندن در ارتباط با دیگری در عین حفظ «ادراک خود<sup>۵</sup>» است، به عبارتی تمایز یافتگی یعنی توانایی حفظ استقلال در عین حفظ ارتباط با دیگران (Skowron & Friedlander, ۱۹۹۸). افراد تمایز یافته می توانند بدون ترس از یکی شدن، ضمن تجربه صمیمیت در روابط نزدیک، استقلال خود را حفظ کنند و زمانی که با اضطراب همسر خود مواجه می شوند، آرامش خود را حفظ کنند (Hamadi et al., 2011). Bowen (1978) معتقد است که در رابطه زناشویی هرگاه سطح تمایز یافتگی هر دو زوج پایین باشد آمیزش عاطفی بیشتری روی می دهد که این حالت منجر به کاهش کیفیت زناشویی و سازگاری پایین در روابط زناشویی می شود. در عوض، زوج هایی که حداقل آمیزش عاطفی را با هم دارند، بیشترین فردیت را نیز دارند و این، امکان باهم بودن باثبات و محکم تری به آن ها می دهد (Mahmoudimehr & Navabinejad, 2010). تمایز یافتگی یک جزء جدایی ناپذیر از توانایی فرد برای رشد صمیمیت است و به نظر می رسد سطح تمایز یافتگی با سطح رضایت زناشویی<sup>۶</sup> مرتبط باشد. و می تواند رضایت زناشویی را تقویت و آن را پیش بینی کند (Rajabi, Alimoradi & Moradi, 2017; Belyad, Nahidpour & Azadi, 2016). برای مثال همسرانی با سطوح پایین تمایز یافتگی که در هم آمیخته<sup>۷</sup> شده اند، ممکن است کمتر بتوانند بفهمند که برای بهبود روابطشان چه چیزی از یکدیگر می خواهند که این مطلب در نهایت به سطوح پایین تر رضایت زناشویی منجر می شود (Patrick, Sells, Giordano & Tollerud, 2007).

(Eshgei, 2015; Farahmand, 2015; Sadati, 2014; Talebi & Ghojaeri banab, 2013; Ariamanesh, Fallahchai and Zarei, 2013; Biadisy-Ashkar & Peleg, ۲۰۱۳; Likcani, ۲۰۱۳; Gabelman, 2012; Greene & Mabee, 1993) ;

1. marital disaffection
2. intimacy
3. differentiation of self
4. Bowen
5. sense of self
6. marital satisfaction
7. fused

در پژوهش‌های خود به بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی معنی داری وجود دارد و هر اندازه تمایز یافتگی زوج‌ها کم‌تر باشد تعارض‌های زناشویی و دلزدگی زناشویی آن‌ها بیشتر خواهد بود.

معنا در زندگی به چندین دلیل به عنوان یک موضوع مهم در زندگی زناشویی، مورد بررسی قرار گرفته است. فرانکل<sup>۱</sup> معتقد است: «در زندگی لذت و شادمانی باید وجود داشته باشد اما خود نباید هدف واقع شود. نمی‌توان در جستجوی خوشبختی رفت و آن را یافت، زیرا خوشبختی نتیجه معنایی است که خود ما به کل شرایط زندگی مان می‌دهیم». وقتی زن و شوهر درگیر بی‌معنایی در زندگی هستند، تمایلی به زندگی مشترک ندارند و میل به جدایی در آن‌ها زیاد می‌شود. شاید فکر کنید زوجینی که معنایی در زندگی ندارند، محکوم به شکست هستند و تمایل به طلاق آن‌ها زیاد است و اگر زوجین نتوانند در زندگی رنج ببرند و معنای رنج درک کنند، ادامه زندگی آن‌ها مخدوش می‌شود (Yousefi and Kayani, 2012). کسانی که زندگی خود را معنادار می‌بینند، اعتقاد دارند که زندگی هدف مهمی دارد و قابل فهم است. به این ترتیب، شخصی که سطوح بالاتری از معناداری در زندگی را تجربه می‌کند به آسانی قادر به رویارویی با شرایط سخت است. سطوح بالای معنا در زندگی نه فقط به فرد در رویارویی با دشواری‌ها کمک می‌کند، بلکه باعث افزایش رضایت شخصی و احساس کامیابی و کاهش دلزدگی زناشویی در فرد می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت جنبه‌های خاصی از معناداری نقش عمده‌ای در افزایش توان فرد در مقابله با مشکلات دارد (Kim, Lee, Yu, Le & Puing, 2005).

برخی محققان در پژوهش‌های خود به بررسی رابطه بین معناداری زندگی و دلزدگی زناشویی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین معناداری زندگی و دلزدگی زناشویی رابطه‌ی منفی معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش‌های آن‌ها نشان داد که داشتن فلسفه و معنا در زندگی با کاهش دلزدگی زناشویی و تعارضات زناشویی و افزایش رضایت زناشویی مرتبط است (Yousefi, 2012; Nasiri & Jokar, 2008; Tabrizi, 2004; Schenell & Becker, 2006; Valle, Huebner & Suldo, 2006; Kaslow, 1994).

بخشش، فرآیندی است که شامل تغییر در احساسات و نگرش در مورد فرد خطاکار می‌شود. نتیجه این فرآیند، کاهش انگیزه برای اقدام تلافی جویانه و یا حفظ بیگانگی با فرد خاطی است و احساسات منفی نسبت به فرد خطاکار را از بین می‌برد. هم‌چنین نظریه پردازان بر این باورند که بخشش، نشان‌دهنده جایگزینی احساسات منفی با نگرش‌های مثبت از جمله شفقت و خیرخواهی است (Philpot, 2006). در واقع، تنفر ایجادشده ناشی از خطاهای همسر، احتمالاً تقویت‌کننده تعارض و دلزدگی زناشویی زوج‌ها و مانع حل موفقیت‌آمیز آن است (Fincham, Beach & Davila, 2004).

برخی محققان نیز در پژوهش‌های خود به بررسی رابطه‌ی بین بخشودگی و دلزدگی زناشویی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش‌های آن‌ها حاکی از این مطلب بود که بین بخشودگی و دلزدگی زناشویی رابطه‌ی منفی معنی داری وجود دارد. به عبارتی دیگر زوج‌هایی که یکدیگر را می‌بخشند، کم‌تر دچار دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی می‌شوند (Sadati, 2014; Ghafuri, Mashhadi & Hassanabadi, 2013; Daghagheleh, Asgari & Heidari, 2012; Zare, Ghobaeri banab, Shams & Sadegh Khani, 2012; Zehtab Najafi, Drvyzeh & Peyvasteh gar, & Yip, 2009) 2011; Liceaga, 2013; Braithwaite, Selby & Fincham, 2011; Backus, 2009; Tse

از دیگر مباحثی که در زمینه‌ی روابط زناشویی، نظر متخصصین مشاوره و درمانگران را به خود جلب کرده است و می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم بر آینده یک رابطه زناشویی تاثیرگذار باشد، تعارض زناشویی است. تعارض وقتی در روابط بروز می‌کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر هماهنگ نباشد. وجود تعارض زناشویی از واکنش نسبت به تفاوت‌های فردی ناشی است و زمانی قوت می‌گیرد که احساس خشم، خصومت، کینه، نفرت، حسادت، سوء رفتار کلامی و فیزیکی بر روابط زوج‌ها حاکم شود (Davis, 1941, the translation of Bhari, Sahmoradi & Hashami, 2003).

<sup>1</sup> . Frankl

نتایج پژوهش های گوناگون بر نقش برجسته تعارض زناشویی در بروز دلزدگی زناشویی تاکید داشته اند (Birditt, Brown, Orbuch, & McIlvane, 2010; Hakimeh Teharani, et al, 2012 & Mohsenzadeh, Nazareh & Arefei, 2011).

Barry, et al, (2008) در تحقیق خود نشان دادند که تعارض زناشویی با سلب امکان موقعیت های صمیمانه در روابط، در تسریع فرآیند دلزدگی زناشویی موثر است.

الیس<sup>۱</sup> رضامندی زناشویی را حاصل مبادله رفتارهای پاداش بخش می‌داند. این نظریه پرداز رضایت زناشویی را زمانی لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر می‌داند که همه جنبه های ازدواجشان را در نظر گرفته باشند. رضایت در این دیدگاه یک متغیر نگرشی است که از خصوصیات فردی زن و شوهر محسوب می شود (Askari Far, 2001).

در (Oladei, 2011; Pines et al, 2011; Govahei Jahan, 2008; Kurdek, 1995; Kaslow, 1999) پژوهش های خود به این نتیجه دست یافتند که بین رضامندی زناشویی با دلزدگی رابطه منفی معنی داری وجود داشت. این پژوهشگران تبیین می کنند که اگر زوجی بتواند با روش های صحیح ارتباط برقرار کند نه تنها ارتباط مؤثری با هم خواهند داشت بلکه دلزدگی آنان کاهش می یابد رضایت زناشویی آن ها بالاتر می رود.

میزان بالای طلاق در جوامع، تاییدکننده این حقیقت است که بسیاری از زوج ها تمایلی نسبت به ماندن در ازدواج های ناکام ندارند (Kayser, 1993). همچنین طلاق، روند رو به رشدی را در پیش گرفته و زنان در این فرایند آسیب های اجتماعی و روانشناختی بیشتری را متحمل می شوند (Dehgan Manshadi, Zarei, Asgari, Naziri, 2017). لذا با در نظر گرفتن خسارت های ناشی از طلاق، لزوم بررسی عوامل موثر در بروز دلزدگی بین زوج ها، جهت بالا بردن سطح آگاهی خانواده ها و تسهیل روند مشاوره به متقاضیان طلاق، به منظور پیشگیری از آن، بیش از پیش احساس می‌شود. اگرچه پژوهش های پیشین به بررسی متغیرهای مورد نظر به صورت ساده و خطی پرداخته‌اند اما رابطه ای این متغیرها به شکل دسته جمعی بررسی نشده است؛ بنابراین در این پژوهش در قالب یک مدل به این سوال پاسخ داده می شود که آیا رابطه ای علی تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی و رضایت زناشویی واسطه گری می شود؟

## ۲- روش تحقیق

### ۲-۱- جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

طرح پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل مسیر<sup>۲</sup> بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بود. کل جامعه مورد بررسی ۷۵۰ نفر دانشجوی زن متأهل شاغل به تحصیل در ۱۳ رشته (روانشناسی و مشاوره ۸۰ نفر، تربیت بدنی ۴۰ نفر، علوم تربیتی ۱۰۰ نفر، حقوق ۷۰ نفر، زبان انگلیسی ۵۰ نفر، ادبیات فارسی ۵۰ نفر، مامایی ۶۰ نفر، حسابداری ۵۰ نفر، پرستاری ۴۰ نفر، کامپیوتر ۵۰ نفر، شیمی محض ۶۰ نفر، معماری ۵۰ نفر، برق ۵۰ نفر) بود. نمونه ی پژوهش مشتمل بر ۲۵۶ نفر است که با توجه به تعداد متغیرها انتخاب شدند. برای هر متغیر ۴۰ نفر می بایست انتخاب می شد که جمعاً حدود ۲۴۰ نفر بالغ می شد، ولی با توجه به افت آزمودنی ها ۳۰۰ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شدند و در نهایت ۲۵۶ پرسشنامه قابل تحلیل بود.

### ۳- ابزار پژوهش

در این پژوهش به منظور جمع آوری داده های تحقیق از ابزارهای زیر استفاده شد:

<sup>۱</sup>. Ellis

<sup>۲</sup>. path analysis

### ۳-۱- مقیاس دلزدگی زناشویی

این مقیاس نخستین بار توسط Kayser (1993) در ۲۱ ماده در طیف لیکرت ساخته شد. و نمرات بالاتر نشان‌دهنده‌ی سطوح بالاتری از دلزدگی است. Kayser (۱۹۹۳) آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۷، (Durham-Fowler, 2010) آلفای کرونباخ ۰/۷۹ تا ۰/۸۹ و (۲۰۰۶) Robinson, Flowers & Ng آلفای کرونباخ ۰/۹۷ گزارش کردند. Sadati, Mehrabeizadeh Honarmand & Sodani (2014) پایایی مقیاس را به روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۹ به دست آوردند. در پژوهش حاضر پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ به دست آمد. Kayser دریافت این مقیاس بین زوج‌هایی که در مشاوره زناشویی شرکت داشتند و آن‌هایی که شرکت نداشتند تمایز قائل می‌شود (Kayser, 1993). Robinson et al. (2006). نیز گزارش کردند که این مقیاس همبستگی معکوسی با سوالات مربوط به رضایت زناشویی ( $r = -0/56$ ) و صمیمیت زناشویی ( $r = -0/86$ ) دارد. در پژوهش Sadati et al (2014) نیز روایی سازه این مقیاس از طریق تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت. آن‌ها هم‌چنین روایی هم‌گرایی مقیاس را با مقیاس فرسودگی زناشویی پاینز محاسبه کردند و ضریب همبستگی این دو مقیاس را معنی‌دار گزارش کردند ( $p=0/001$  و  $r=0/54$ ).

### ۳-۲- پرسشنامه‌ی تمایز یافتگی خود با زبینی شده اسکورن

برای سنجش تمایز یافتگی خود از پرسشنامه Skowron & Friedlander (2003) با ۴۳ سوال استفاده شد. این پرسشنامه با مقیاس لیکرت و در یک طیف ۶ گزینه‌ای، ۱ (اصلاً در مورد من صحیح نیست) و ۶ (خیلی در مورد من صحیح است)، درجه بندی شده است. نمره کم‌تر این پرسشنامه نشانه‌ی سطوح پایین‌تر تمایز یافتگی است (Sanaei Zaker, Skowron & Schmitt, 2008) Alagheband, Falahatei, Hooman, (2008) ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده توسط Skowron & Schmitt (2003) ۰/۹۲ به دست آمد. آلفای کرونباخ این ابزار توسط Momeni and Alikhani (2013) ۰/۷۹ و Sadati (2014) ۰/۶۹ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. رابطه‌ی معکوس این پرسشنامه با اضطراب مزمن و رابطه‌ی مثبت آن با رضایت زناشویی، شواهدی را برای روایی سازه این مقیاس فراهم کرده است (Skowron & Dendy, 2004). Yousefi (2012) نیز در تحقیقی روایی این پرسشنامه را با سازه‌های اعتماد به نفس و حساسیت بین فردی محاسبه کرد که ضرایب روایی کل پرسشنامه با سازه اعتماد به نفس ۰/۳۹ و با سازه حساسیت بین فردی ۰/۳۶- گزارش شد.

### ۳-۳- شاخص ارزشمندی زندگی (LRI)

در این پژوهش برای ارزیابی معناداری زندگی از آزمون شاخص ارزشمندی زندگی<sup>۱</sup> Batista & Almond (1973) که به وسیله‌ی Debats (1998) تجدید نظر شده است، استفاده شد. این آزمون شامل 28 گویه می‌باشد، که در برابر آن‌ها یک طیف سه گزینه‌ای شامل "موافقم"، "نظری ندارم" و "مخالفم" قرار دارد. شواهد پژوهشی چندی وجود دارند که نشان می‌دهند این آزمون از ضرایب روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است (Batista & Almond, 1973). Nasiri & Jokar (2008) آلفای کرونباخ این آزمون را ۰/۸۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد. Nasiri & Jokar (2008) برای بررسی روایی این آزمون از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس<sup>۲</sup> استفاده کردند. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که این مقیاس ۰/۳۹ واریانس را تبیین می‌نمایند.

### ۳-۴- پرسشنامه‌ی بخشش

<sup>۱</sup> . Life- Regard Index(LRI)

<sup>۲</sup> . varimax rotation

برای سنجش بخشش از پرسشنامه ۱۵ گویه‌ای (Rye & et al, 2001) استفاده شد. سوالات این پرسشنامه در مقیاس لیکرت و در یک طیف ۵ گزینه‌ای، کاملاً موافقم، ۵، موافقم، ۴، بی‌نظر، ۳، مخالفم، ۲ و کاملاً مخالفم، ۱، طراحی شده‌اند. (Rye & et al, 2001) آلفای کرونباخ پرسشنامه را ۰/۸۷ گزارش کردند. همچنین در مطالعه‌ی آن‌ها پایایی به روش آزمون-بازآزمون ۰/۸۰ به دست آمد. (Zandipour, Azadi & Nahed Pour, 2011) پایایی این آزمون را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و به روش دونیمه‌سازی ۰/۸۱ گزارش کردند. همچنین آلفای کرونباخ این آزمون توسط Asgari & Roshani (2013) ۰/۸۰ و توسط Sadati (2014) ۰/۷۹ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ بدست آمد. (Rye & et al, 2001) بین این پرسشنامه و پرسشنامه‌ی بخشش انریت همبستگی مثبت، بین این پرسشنامه و پرسشنامه‌ی دینداری<sup>۱</sup>، سلامت معنوی<sup>۲</sup>، امید<sup>۳</sup> و اشتیاق اجتماعی<sup>۴</sup> همبستگی مثبت و بین این مقیاس با مقیاس‌های صفت خشم<sup>۵</sup> و حالت خشم<sup>۶</sup>، همبستگی منفی گزارش کردند. (Zandipour & et al, 2011) نیز روایی این پرسشنامه را از طریق همبستگی با پنج عامل پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو به ترتیب به این صورت گزارش کردند: با روان‌رنجورخویی ۰/۴۵-، با سازگاری ۰/۵۲، با برون‌گرایی ۰/۳۳، توافق ۰/۴۲، گشودگی ۰/۳۵.

### ۵-۳- پرسشنامه‌ی تعارضات زناشویی تجدید نظر شده

برای سنجش تعارضات زناشویی از پرسشنامه ۵۴ سوالی (Sanaee Zakir et al, 2008) استفاده شد. برای هر سوال پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب، ۱ تا ۵ نمره به آن‌ها اختصاص داده شده است. نمره‌ی بیشتر به معنای تعارض بیشتر و نمره‌ی کمتر به معنای رابطه‌ی بهتر و تعارض کمتر است (Sanaee Zakir et al, 2008). آلفای کرونباخ این پرسشنامه توسط Sanaee Zakir et al (2008) ۰/۹۶ و Bakhshe Pour et al (2012) ۰/۹۰، Amini, Amini, Hoseinian (2012) ۰/۹۳ و Sadati (2014) ۰/۸۳ گزارش شده است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد. این ابزار از روایی خوبی برخوردار است و در مرحله‌ی تحلیل محتوای آزمون، پس از محاسبه همبستگی هر سوال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به دلیل همبستگی مناسب تمام سوالات، هیچ سوالی حذف نشد (Sanaee Zakir et al, 2008). (Amini et al, 2012) نیز در پژوهش خود گزارش کردند که این ابزار دارای روایی صوری است، به این صورت که سوالات پرسشنامه به چند تن از استادان و صاحب‌نظران مربوط جهت داوری ارائه شد و مورد تأیید قرار گرفت.

### ۳-۶- مقیاس زوجی اینریچ<sup>۷</sup>

برای بررسی میزان رضایت زناشویی، از فرم کوتاه مقیاس اینریچ که دارای ۳۵ سوال است و در سال (2010) توسط Asodeh, Khalili, Lavasanei & Daneshpur زیر نظر Olson به فارسی برگردانده شده است، استفاده شد (Asodeh et al, 2010). طیف نمره گذاری این مقیاس پنج گزینه‌ای، و برای هر یک از ماده‌ها «کاملاً موافقم»، «موافقم»، «نه موافق و نه مخالف»، «مخالفم»، «کاملاً مخالفم» در نظر گرفته شده است. مقیاس زوجی اینریچ توسط Olson, (2000) روی ۲۵۵۰۱ زوج متاهل اجرا شد. ضریب آلفای پرسشنامه ۰/۸۷ گزارش شده است. Asodeh et al (2010) آلفای ۰/۶۸ را برای این پرسشنامه گزارش کردند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۸۲ بدست آمد.

1. religiousness
2. spiritual well - being
3. hope
4. social desirability
5. trait anger
6. state anger
7. Four Enrich Couple Scales

## ۴- یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری مانند میانگین و انحراف معیار برای کلیه متغیرهای مورد مطالعه است که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار، نمره‌های دانشجویان در متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار
تمایز یافتگی	۱۰۹/۳۸	۲۲/۲۳
بخشودگی	۴۲/۸۰	۱۰/۶۹
معناداری زندگی	۴۹/۸۷	۱۲/۰۸
تعارض زناشویی	۱۱۷/۶۹	۲۷/۱۳
رضایت زناشویی	۱۰۷/۰۳	۲۱/۸۵
دلزدگی زناشویی	۵۱/۱۴	۱۲/۳۰

جدول ۲- ماتریس همبستگی بین متغیرها در پژوهش حاضر

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- دلزدگی زناشویی						
۲- تعارض زناشویی	۰/۵۰۳**					
۳- رضایت زناشویی	۰/۵۵۷**	۰/۵۶۱**				
۴- تمایز یافتگی	۰/۳۸۷**	۰/۴۱۳**	۰/۶۵۹**			
۵- معناداری زندگی	۰/۴۹۴**	۰/۴۹۵**	۰/۵۵۲**	۰/۴۲۰**		
۶- بخشودگی	۰/۴۶۰**	۰/۵۸۱**	۰/۴۶۲**	۰/۳۷۲**	۰/۵۹۱**	

$P \leq 0.01^{**}$

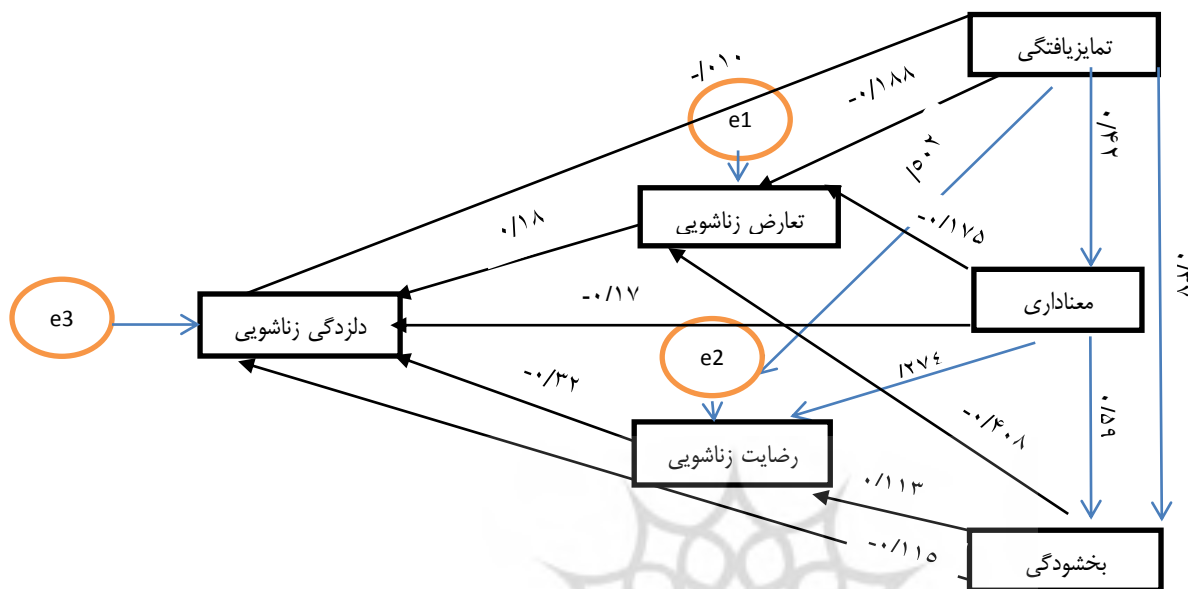
همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بیشترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه‌ی تمایز یافتگی با رضایت زناشویی و ۰/۶۵۹ و کمترین آن مربوط به رابطه بخشودگی با تمایز یافتگی ۰/۳۷۲ می‌باشد. (سطوح معنی‌داری برای همه ضرایب  $0.01 \leq p$  است).

به منظور بررسی برازندگی مدل پیشنهادی از شاخص‌های برازندگی استفاده شد. جدول ۳ شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی را نشان می‌دهد.

جدول ۳- مهمترین شاخص‌های برازش کلی مدل مفروض

شاخص‌های کلی	برازش مطلق	برازش تطبیقی	برازش مقتصد
شاخص نمونه	CFI	IFI	RMSEA
مقدار	۲۲/۱۱۱	۰/۹۶۷	۰/۰۸۸
	GFI	PNFI	
	۰/۹۷۳	۰/۶۷۱	

طبق مندرجات جدول ۳ مقادیر شاخص های برازندگی الگوی پیشنهادی، شامل شاخص های برازش مطلق، شاخص های برازش تطبیقی و شاخص های برازش مقتصد است. بر اساس جدول ۳ شاخص های برازش کلی مدل در سطح مناسبی هستند. ضرایب مسیر در شکل یک حاکی از این است که تمامی ضرایب مسیر مستقیم بین متغیرهای پژوهش، به جز مسیر مستقیم تمایز یافتگی به دلزدگی زناشویی معنی دار هستند.



شکل ۱- مدل آزمون شده در نرم افزار Amos

جدول ۴ مسیرهای روابط مستقیم متغیرها را در الگوی پیشنهادی نشان می دهد. با توجه به مندرجات جدول ۴ ملاحظه می شود به جز مسیر «تمایز یافتگی به دلزدگی زناشویی» کلیه ضرایب مسیر تفاوت معنی داری با صفر دارند ( $p < 0.05$ ).

جدول ۴- وزن های رگرسیونی مسیرهای مفروض در مدل

مسیر	$\beta$	S.E	C.R	p
تمایز یافتگی ← دلزدگی زناشویی	-۰/۰۰۵	۰/۰۳۷	-۰/۱۴۴	۰/۸۸۵
معناداری زندگی ← دلزدگی زناشویی	-۰/۱۷۰	۰/۰۶۸	-۲/۴۹۹	۰/۰۱۲
بخشودگی ← دلزدگی زناشویی	-۰/۱۴۹	۰/۰۷۷	-۱/۷۰۱	۰/۰۳۹
تعارض زناشویی ← دلزدگی زناشویی	۰/۰۸۱	۰/۰۲۸	۲/۸۶۱	۰/۰۰۴
رضایت زناشویی ← دلزدگی زناشویی	-۰/۱۸۰	۰/۰۴۰	-۴/۴۸۰	۰/۰۰۰
تمایز یافتگی ← تعارض زناشویی	-۰/۲۳۱	۰/۰۶۷	-۳/۴۷۰	۰/۰۰۰
معناداری زندگی ← تعارض زناشویی	-۰/۳۹۵	۰/۱۴۱	-۲/۸۰۴	۰/۰۰۵
بخشودگی ← تعارض زناشویی	-۱/۰۴۲	۰/۱۵۶	-۶/۶۸۵	۰/۰۰۰
تمایز یافتگی ← رضایت زناشویی	۰/۴۹۳	۰/۰۴۷	۱۰/۵۱۱	۰/۰۰۰
معناداری زندگی ← رضایت زناشویی	۰/۴۹۶	۰/۰۹۹	۴/۹۹۲	۰/۰۰۰
بخشودگی ← رضایت زناشویی	۰/۲۳۱	۰/۱۱۰	۲/۰۹۸	۰/۰۳۶



برای بررسی فرضیه‌های مبنی بر روابط غیرمستقیم یا میانجی متغیرها، از روش بوت استرپ<sup>۱</sup> استفاده شد. جدول ۵ نتایج حاصل از بوت استرپ در رابطه تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری تعارض زناشویی و رضایت زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۵- نتایج بوت استرپ برای مسیرهای میانجی الگوی پیشنهادی

مسیر	مقدار Data	بوت Boot	سوگیری Bias	خطای استاندارد S.E.	سطح اطمینان ۹۵٪	
					حد پایین Lower	حد بالا Upper
تمایز ← تعارض ← دلزدگی	-۰/۰۹۴۹	-۰/۰۹۴۵	۰/۰۰۰۳	۰/۰۲۱۷	-۰/۱۴۳۰	-۰/۰۵۸۱
تمایز ← رضایت ← دلزدگی	-۰/۱۹۵۸	-۰/۱۹۴۸	۰/۰۰۱۰	۰/۰۳۸۱	-۰/۲۸۱۸	-۰/۱۳۰۸
معنا ← تعارض ← دلزدگی	-۰/۱۷۲۹	-۰/۱۷۵۰	-۰/۰۰۲۱	۰/۰۴۳۸	-۰/۲۶۷۳	-۰/۰۹۶۵
معنا ← رضایت ← دلزدگی	-۰/۲۳۱۰	-۰/۲۳۴۱	-۰/۰۰۳۱	۰/۰۵۲۷	-۰/۳۴۳۰	-۰/۱۲۷۷
بخشودگی ← تعارض ← دلزدگی	-۰/۲۳۸۶	-۰/۲۳۸۷	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۵۶	-۰/۳۵۸۶	-۰/۱۳۶۶
بخشودگی ← رضایت ← دلزدگی	-۰/۲۳۴۱	-۰/۲۳۳۸	۰/۰۰۰۳	۰/۰۵۴۱	-۰/۳۴۶۳	-۰/۱۳۷۲

مطابق با جدول ۵، حد پایین و حد بالای فاصله اطمینان برای متغیرهای تعارض زناشویی و رضایت زناشویی به عنوان متغیرهای میانجی بین تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی بیرون از دامنه صفر قرار می‌گیرد. با توجه به این که این دامنه صفر را در بر نمی‌گیرد، می‌توان عدم تساوی اندازه اثر غیرمستقیم متغیرهای میانجی گر با صفر را پذیرفت. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان ۹۵٪ و تعداد نمونه گیری مجدد بوت استرپ ۱۰۰۰ است. با عنایت به یافته های فوق، فرضیه های پژوهش مبنی بر میانجی گر بودن تعارض زناشویی و رضایت زناشویی بین تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی مورد تایید قرار می‌گیرد.

## ۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی علی تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجیگری تعارض زناشویی و رضایت زناشویی صورت گرفت. براساس نتایج پژوهش تمامی ضرایب مسیرهای مستقیم بین متغیرها به جز مسیر مستقیم تمایزیافتگی به دلزدگی زناشویی، از لحاظ آماری معنی‌دار بودند. به‌علاوه مسیرهای مستقیم معناداری زندگی، بخشودگی، تعارض زناشویی و رضایت زناشویی به دلزدگی زناشویی از لحاظ آماری معنی‌دار بودند. همچنین مسیرهای مستقیم تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی به تعارض زناشویی و رضایت زناشویی نیز معنی‌دار بودند. عدم رابطه معنادار تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی با نظریه بوئن که معتقد است هرچه تمایزیافتگی فرد بیشتر باشد، فرد می‌تواند به رغم اضطراب شدید خانواده، رفتار خویش را اندیشمندانه و مطابق اصول صریح و جا افتاده هدایت کند، هماهنگ نیست. همچنین نتیجه به‌دست آمده از این یافته با یافته های حاصل از پژوهش های برخی محققان (Eshgei, 2015; Farahmand, 2015; Sadati, 2014; Talebi & Ghojaeri banab, 2013; Ariamanesh, et al 2013;

; Gabelman, 2012; Greene & Mabee, 1993); ۲۰۱۳; Likcani, ۲۰۱۳ Biadsy-Ashkar & Peleg, هماهنگ نمی باشد. در این زمینه پژوهشی که مستقیماً با نتیجه این پژوهش همخوانی داشته باشد یافت نشد. ولی پژوهش (2012) Rezaei به نحوی با نتیجه این پژوهش همخوانی دارد. در پژوهش (2012) Rezaei بین تمایز یافتگی و کیفیت زندگی رابطه معنی داری به دست نیامد. در پژوهش‌های پیشین مشخص شد هر چه فرد تمایز یافته تر باشد در روابط با همسر خود سطح کمتری از دلزدگی را تجربه می کند و رضایت بیشتری از ازدواج خود دارد. اما می توان به نکاتی چند که مبین رد این یافته پژوهش می باشد، اشاره کرد. در مفهوم تمایز یافتگی بوئن، بهنجار بودن، حذف شده است. همان طور که بوئن مطرح کرده حتی عده‌ای که در انتهای پایین مقیاس فرضی تمایز یافتگی باشند، از نظر اجتماعی که در آن زندگی می کنند، تعادل عاطفی زندگی شان تا حدودی حفظ شده است و عاری از نشانه‌های بیماری هستند. از طرف دیگر تنها افراد بسیار اندکی از نظر عاطفی بالغ و در انتهای بالایی مقیاس قرار می گیرند. همچنین احتمال می رود در این فرضیه نیز جنسیت افراد نمونه (لژوما نگاه عاطفی داشتن و غلبه هیجانات از ملزومات زن بودن است) بر به دست دادن نتیجه‌ای ناهمخوان با سایر پژوهش‌ها مؤثر باشد. از طرفی می توان احتمال داد که دلزدگی زناشویی از متغیرهای دیگر تأثیر بیشتر می پذیرد. همچنین در این پژوهش مشخص شد که تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی رابطه علی معنی داری دارد. یافته‌های به دست آمده از تحلیل‌های آماری این فرضیه به نحوی با مطالعات (Sadati, 2014; Talebi & Ghojaeri banab, 2013; Ariamanesh et al 2013; Biadsy-Ashkar & Peleg, 2012) ۲۰۱۳; Likcani, ۲۰۱۳ هم‌سو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می توان گفت زن و شوهرهایی که دارای سطوح تمایز یافتگی پایین هستند برای پایداری روابطشان، رشد و خودرهبی‌شان را قربانی ازدواج می کنند. زوج‌های تمایز نیافته، به رویدادها و رفتارهای منفی همسران‌شان واکنش‌های هیجانی و عاطفی شدیدتری نشان می دهند و به راحتی دچار آمیختگی با هم می شوند (Najafloei, 2006). در واقع، آن چه رابطه تمایز یافتگی با دلزدگی را از طریق تعارض زناشویی تبیین می کند به گفته‌ی (Likcani, 2013) جدایی‌های عاطفی‌ای است که زن و شوهرهای تمایز نیافته پس از ایجاد موقعیت‌های تعارضی، دچار آن می شوند. یافته دیگر این پژوهش نشان داد که معناداری زندگی با دلزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی رابطه علی معنی داری دارد. این یافته با مطالعات (Feldman, 2005); در یک راستا قرار دارد. در تبیین این یافته می توان اظهار داشت که یکی از عوامل مرتبط با مشکلات و نارسایی‌هایی روانشناختی و زندگی زناشویی، اکتساب مفهوم و معنای زندگی است. معنابخشی روشی است که کاربرد آن می تواند فرد را دریافتن معنای زندگی یاری دهد. معنابخش بودن زندگی عبارت است از پاسخ مثبت به زندگی علی رغم سختی‌هایی است که پیش روی فرد قرار می گیرد؛ شیوه‌ای که انسان سرنوشت را می پذیرد و برای رنج خویش معنایی می یابد. معناجویی، تلاش و مبارزه انسان در جهت نیل به یک آرمان یا ارزش و در نهایت تلاش برای دستیابی به معنای زندگی است (Fakhar, Navabinejad & Foroghan, 2008) همچنین در این پژوهش مشخص شد که بخشودگی با دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری تعارض زناشویی رابطه علی معنی داری دارد. این یافته به نحوی با تحقیقات قبلی (Sadati, 2014; Braithwaite, 2011) ۲۰۱۳; Ghafuri, et al, 2013; Taghpour Javan, et al, 2012; Likcani, ۲۰۱۳) هم‌سو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می توان گفت که بخشش به افراد اجازه می دهد تا برای حل مشکلات بین فردی با احساسات منفی ناشی از آسیب مقابله کنند و بتوانند رفتاری سازگارانه در مقابله با تعارض‌های زناشویی داشته باشند (Skinner, et al, 2007). در واقع، همان طور که قبلاً نیز اشاره شد گذشت با جانشین کردن عواطف منفی با شفقت و بردباری (Flanagan, et al, 2012) باعث رشد هم‌دلی بین زوج‌ها می شود (McCullough, et al, 1998). یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش این بود که رابطه علی تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی از طریق رضایت زناشویی معنی دار است. این یافته با تحقیقات (Sadati, 2014; Talebi & Ghojaeri banab, 2013; Ariamanesh et al 2013; Biadsy-) (Gabelman, 2012) ۲۰۱۳; Likcani, ۲۰۱۳ Ashkar & Peleg, هم‌سو و هماهنگ است و یافته‌های پژوهشی آن‌ها را تأیید می کند. در تبیین این یافته می توان گفت تمایز یافتگی، پیش‌بینی خوب برای تعارض و رضایت زناشویی است؛ به گونه‌ای که با تعارض زناشویی رابطه‌ی معکوس و با رضایت زناشویی رابطه‌ی مستقیم دارد (Likcani, 2013). هر چه تمایز یافتگی زوج‌ها بیشتر باشد، سازگاری زناشویی آن‌ها نیز بیشتر و در نتیجه

دلزدگی، کمتر است. از دیگر نتایج این پژوهش رابطه‌ی علی معناداری زندگی با دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری رضایت زناشویی بود. این یافته به نحوی با مطالعات (Nasiri & Jokar, 2008; Govahei Jahan, 2008; Yee Ho, et al, 2010) همسو و هماهنگ است و یافته‌های پژوهشی آن‌ها را تأیید می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد آن دسته از زوجینی که به مفهومی از زندگی دست یافته بودند از رضایت زناشویی بالایی برخوردار هستند. علاوه بر پژوهش‌های همبستگی در تحقیقات آزمایشی، اثربخشی آموزش معنا در زندگی که به معنادرمانی مشهور است؛ بر بهبود شاخص‌های روانشناختی و نیز جسمانی به خوبی آشکار شده است. معنادرمانی به جای بدبینی و انزوا، انسان را به تلاش و فعالیت فرا می‌خواند و بیان می‌دارد که آن چه انسان‌ها را از پای در می‌آورد، رنج‌ها و سرشت نامطلوب شان نیست، بلکه بی معنا شدن زندگی‌شان است که مصیبت‌بار است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استفاده از شیوه معنادرمانی می‌تواند در کاهش آسیب‌های روانشناختی و دلزدگی زناشویی زوجین مؤثر واقع شود. این یافته به خوبی نشان می‌دهد که معنا در زندگی می‌تواند یکی از همبسته‌های سلامت روانشناختی و رضایت زناشویی باشد. این نتیجه با یافته‌های پژوهشی پیشین در ارتباط با رابطه معنا در زندگی و شاخص‌های بهزیستی روانشناختی هماهنگ است. همچنین در این پژوهش مشخص شد که رابطه علی بخشودگی از طریق رضایت زناشویی با دلزدگی زناشویی معنی‌داری است. این یافته‌ها به نحوی با مطالعات (Ghafuri, et al, 2013; Daghighaleh, et al, 2012; Zare, et al, 2012; Braithwaite, 2011; Liceaga, 2013) دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بخشش، با کاهش احساسات منفی در روابط زناشویی و حل و فصل سریع تعارض‌های زناشویی، در ارتقاء کیفیت رابطه زناشویی مؤثر است و نبود آن می‌تواند به دلزدگی بین زوج‌ها منجر شود (Zare, et al, 2012).

بخشش و تعارض زناشویی رابطه‌ای منفی با یکدیگر دارند. زوج‌هایی که یکدیگر را بیش‌تر می‌بخشند، کم‌تر دچار تعارض زناشویی می‌شوند. به عبارتی، بخشش در روابط زناشویی باعث افزایش رضایت و کاهش دلزدگی زوج‌ها می‌شود زیرا بخشش فرآیندی است که هدفش کاهش آزرده‌گی، خشم، انتقام یا نفرت است (Taghpour Javan, et al, 2012).

از آنجایی که نمونه‌ی تحقیق تنها دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول را دربرمی‌گیرد، در تعمیم نتایج آن به گروه‌های سنی دیگر و زنان غیردانشجو لازم است احتیاط بیشتری به عمل آید. با توجه به نتایج این پژوهش به سایر درمانگران و مشاوران پیشنهاد می‌شود، به نقش متغیرهای پژوهش، در از بین بردن دلزدگی زناشویی و استحکام خانواده، توجه و از آن‌ها برای بهبود فرآیند زوج‌درمانی و پیشگیری از روند دلزدگی بین زوج‌ها استفاده شود. به علاوه پیشنهاد می‌شود از نتایج این تحقیق در جهت آگاهی‌افزایی زوج‌های در شرف ازدواج استفاده شود. همچنین تحقیقی مشابه بر روی دانشجویان مرد انجام گیرد تا بتوان نتایج حاصل از داده‌های مربوط به دو جنس را مقایسه کرد.

#### فهرست منابع

- Asgari, P., & Roshani, KH. (2013). Validation of Forgiveness Scale and a survey on the relationship of forgiveness and students mental health. *International Journal of Psychology and Behavioral Research*, 2 (2), 109-115
- Ariamanesh, S., Fallahchai, R., & Zarei, E. (2013). Compare differentiation between couples, couples with marital conflict satisfaction in Bandar Abbas. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, 3(1),81-89.
- Asodeh, M H., Khalili, SH., Lavasanei, M., & Daneshpur, M. (2010). Translation couple Enrich Inventory questionnaire. Faculty of Psychology and Educational Sciences of Tehran University.
- Amini, M., Amini, Y., Hoseinian, S. (2012). The effectiveness of a couple's communication skills using interactive communications approach (TA) to reduce marital conflict. *Journal of Counseling and Psychotherapy family*, 3(3).

- Askari Far, H. (2001). The role of mental health in marriage, divorce. Tehran: goftehgo.
- Backus, L. N. (2009). Establishing links between desecration, forgiveness and marital quality during pregnancy. Dissertation for Master of Arts, Graduate College of Bowling Green State University.
- Barry, R. A., Lawrence, E., & Langer, A. (2008). Conceptualization and assessment of disengagement in romantic relationships. *Pers Relatsh*, 15 (3), 297-315.
- Batista, J., & Almond, R. (1973). The Development of Meaning in life. *Psychiatry*, 36, 409-427.
- Biadsy-Ashkar, A., & Peleg, O. (2013). The relationship between differentiation of self and satisfaction with life amongst Israeli women: A cross cultural perspective. *Health*, 5 (9), 1467-1477.
- Birditt, K. S., Brown, E., Orbuch, T. L., & McIlvane, J. M. (2010). Marital conflict behaviors and implications for divorce over 16 years. *Journal of Marriage and Family*, 72 (5), 1188-1204.
- Braithwaite, S. R., Selby, E. A., & Fincham, F. D. (2011). Forgiveness and relationship satisfaction: Mediating mechanisms. *Journal of Family Psychology*, 25 (4), 551-559.
- Bakhshe Pour, B., Asadi, M., Keyani, S., Shiralipour, A., Ahmad Dost, H. (2012). The relationship between family functioning and marital conflict couples on the verge of divorce. *Journal of Research in Applied Psychology*, 13(48), 10-33.
- Belyad, M., Nahidpour, F., & Azadi, SH. (2016). The Role of Mediation differentiation in the relationship between depression and marital satisfaction. *Journal of Psychological Methods and Models*. 8(27), 109-126.
- Clinton, T., & Trent, J. (2009) .The quick-reference guide to marriage & family counseling. Michigan: Baker Books.
- Debats, D. L. (1998) "The Life Regard Index: Reliability and Validity", *Psychological Report*, 67, 27-34.
- Durham-Fowler, J. N. (2010). Therapeutic assessment with couples. A dissertation for the degree of doctor of philosophy, University of Texas at Austin
- Davis, K. (1941). *Family: A Guide to concepts and texts for expert assistance*. Translated by Farshad Bahari, Sahmoradi & Neazam Hashemi (2003). Tehran: tazkeyeh.
- Daghagheleh, F., Asgari, P., & Heidari, A. (2012). Relationship forgiveness, love, intimacy and marital satisfaction. New findings in the *Journal of Psychology*, 7(24), 57-69.
- Dehgan Manshadi, M., Zarei, A., Asgari, M., Naziri, GH. (2017). Effectiveness of therapeutic metaphor and Forgiveness therapy on the compatibility of women after divorce. *Journal of Psychological Methods and Models*. 8(27), 29-48.
- Eshgei, A. (2015). Examine the relationship between psychological hardiness, their differentiation with marital boredom of married women teachers of elementary schools in Nishapur. Bojnourd University psychology master's thesis.
- Fincham F. D., Beach S. R., & Davila J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, 18 (1), 72-81.

- Flanagan, K. S., Vanden Hoek, K. K., Ranter, J. M., & Reich, H. A. (2012). The potential of forgiveness as a response for coping with negative peer experiences. *Journal of Adolescence*, 35, 1215-1223.
- Farahmand, A., (2015). The relationship between personality characteristics and differentiation with marital conflict married covered by Imam Khomeini Relief Committee Dehdast city.
- Fakhar, F., Navabinejad, GH. & Foroghan, M. (2008). The effect of counseling and therapy approach on mental health of older women. *Iranian Journal of Aging*, 7, ۵۷-۶۷.
- Gabelman, E. (2012). The effects of locus of control and differentiation of self on relationship satisfaction. *Department of Human Development and Family Science*, 1-20.
- Greene, G. J., & Mabee, T. F. (1993). Differentiation of self and marital adjustment of clinical and nonclinical spouses. *Journal of Couples Therapy*, 3 (3), 133-144.
- Ghafuri, S., Mashhadi, A., & Hassanabadi, H. (2013). Effectiveness of psychotherapy, spiritual relief based on increasing marital satisfaction and reduce conflicts between couples in Mashhad. *Journal of Mental Health*, 15(1), 406-418.
- Ghaffari, F., Rafeei, H., & Sanaei Zaker, B. (2011). Effectiveness of Family Training Bowen systems theory using the differentiation and function of families with addicted children. *Journal of Family Research*. 6(22), 227-239.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, A. (2008). *Family therapy*. , translated by Hamid Reza Hussein Shahi baravati, Siamak Naghshbandi & Elham Arjmandi, (2013). Tehran: Ravan.
- Govahei Jahan, F. (2008). The relationship between meaning in life and marital satisfaction. *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 49-69.
- Hamadi, R., Khosravi, Z., Peyvastehgar, M. Drvyzeh, Z. Khodabakhsh, R. & Sarami, GH. (2011). Reviews and quality differentiation with respect to unmarried heterosexual students. *Journal of Psychological Studies*, 8(4), 57-71.
- Hakimeh Teharani, L., Fatehizadeh, M., Bagheban, I. (2012). The effectiveness of emotional safety training on marital conflict Isfahan married. *Journal of Psychological Studies*, female, 10(30), 103-124.
- Kayser, k. (1996). The marital disaffection scale: An inventory for assessing motional estrangement in marriage. *The American Journal of Family Therapy*, 24, 83-88.
- Kayser, K. (1993). *When love dies: The process of marital disaffection*. New York: Guilford.
- Kaslow, F. (dec, 1999). *Long term marriagein Sweden and some comparisions with similar couples in the united state*. New York: Guilford.
- Kim, T-H., Lee, S.M. Yu, K., Le, S.k., and Puig, A. (2005). Hope and the meaning of life as influences on Korean adolescents resilience: Implications for counselor. *Asia Pacific Education Review*, No.2, Vol 6, 143-152.
- Kurdek, L. A. (1995). Predicting change in marital satisfaction from husbands' and wives' conflict resolution styles. *Journal of Marriage and the Family*, 57 (1), 153-164.

- Liceaga, M. D. (2013). "You stay, no matter how bad": Women voice the trajectory of marital disaffection. A Thesis Presented to the Faculty of San Diego State University. In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Arts in Communication.
- Likcani, A. (2013). Differentiation and intimate partner violence. Dissertation for Doctor of Philosophy, College of Human Ecology, Kansas State University.
- McCullough, M. E., Rachal, K. C., Sandage, S. J., Worthington, E. L. Jr., Brown, S. W., & Hight, T. L. (1998). Interpersonal forgiving on close relationships: II. Theoretical elaboration and measurement. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75 (6), 586-1603.
- Mahmoudimehr, M., & Navabinejad, GH. (2010). the effect of couple therapy Bowen's approach on differentiation couples. *Journal of Consuling Research*, 1(39), 7-18.
- Mohsenzadeh, F., Nazarei, A., & Arefei, M. (2011). Qualitative study of marital dissatisfaction and divorce action (Case Study of Kermanshah). *Journal of Strategic Studies Women*, 14(53), 7-42.
- Najafloei, F. (2006). The role differentiation in In marriage. *Journal of New Thoughts on Education*, 2(34), 27-37.
- Nasiri, H., & Jokar, B. (2008). Meaning in life expectancy, life satisfaction and mental health in women. *Journal Research for Women*, 6(2), 157-176.
- Oladei, Z. (2011). The effectiveness of group therapy based on reality therapy to reduce boredom and increase marital satisfaction of married women. Family Counseling master's thesis. Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad.
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.
- Philpot, C. (2006). Intergroup apologies and forgiveness. Unpublished dissertation for the degree of doctor of philosophy, University of Queensland, Brisbane, Australia.
- Pines, A.M., & Neal, M.B., & Hammer, L.B. (2011). Job burnout and couple burnout in dual- earner couples in the sandwiched generation. *Social psychology Quartery*, 74, 361-368.
- Robinson, B. E., Flowers, C., & Ng, K-N. (2006). The relationship between workaholism and marital disaffection: Husbands' perspective. *The Family Journal*, 14, 213-220.
- Rye, M. S., Loiacono, D. M., Folck, C. D., Olszewski, B. T., Heim, T. A., & Madia, B. P. (2001). Evaluation of the psychometric properties of two forgiveness scales. *Journal of Current Psychology*, 20 (3), 260-277.
- Rahmatullahei, F., Fatehizadeh. M., & Ahmadi, A. (2006). Pathology marriage. *New Journal of Psychotherapy*, 11(44), 8-26.
- Rajabi, S., Alimoradi, KH., Moradi, N. (2017). The structural relationship between spiritual well-being and marital satisfaction with the mediating role of emotional intelligence and its differentiation. *Journal of Psychological Methods and Models*. 8(28), 19-48.

- Rezaei, Z. (2012). Investigate the relationship between emotion and psychological integrity of differentiation with happiness and quality of life of women teachers in Mashhad. Master's Thesis Psychology, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad.
- Schenell, T. & Becker, P. (2006). "Personality and Meaning in life", *Personality and Individual Differences*, 41, 1, 117- 129.
- Skinner, E. A., & Zimmer-Gembeck, M. J. (2007). The development of coping. *Annual Review of Psychology*, 58, 119-144.
- Skowron, E., & Friedlander, M. L. (1998). The differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 235-246.
- Skowron, E. A., & Schmitt, A. T. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29, 209-222.
- Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood. *Journal of Contemporary Family Therapy*, 26 (3), 337-357.
- Snyder C. R., & Feldman, D. B. (2005). Hope and the meaningful life: Theoretical and empirical associations between goal-directed thinking and life meaning", *Journal of Social and Clinical Psychology* , 14, 44- 67.
- Sanaei Zaker, B., Alagheband, S., Falahatei, SH., & Hooman, A. (2008). Measures of family and marriage. Tehran: beasat.
- Sadati, A. (2014). The causal relationship Differentiation, neuroticism and marital boredom relief with marital conflict through mediation Estahban male teachers in schools. Thesis for the degree of Master Clinical Psychology. Chamran martyr of Ahwaz University.
- Sadati, S., Mehrabeizadeh Honarmand, M., & Sodani, M. (2014). Validity, reliability and factor analysis Kaiser scale marital boredom. First National Congress of Family Psychology, Ahvaz.
- Tse, W. S., & Yip, T. H. J. (2009). Relationship among dispositional forgiveness of others, interpersonal adjustment and psychological well-being. *Personality and Individual Differences*, 46 (3), 365-368.
- Tabrizi, M. (2004). To assess the effectiveness combined-therapy group and bibliography Beck couples group therapy in reducing the area of marital dissatisfaction. PhD thesis advice.
- Taghpour Javan, A., Hassan Ntajjudari, F., Yarmohammadian, A.(2012). The relationship between forgiveness, marital conflict and mental health of married students. Proceedings of the Sixth Seminar mental health of students, University of Guilan.

-Talebi, M., & Ghojaeri banab, B. (2013). The relationship between differentiation of self, emotional intelligence and marital satisfaction in consultation centers in Shahrood. *Journal of Women and Family Studies*, 5(18), 15-32.

-Valle, M. F., Huebner, S., & Suldo, S. M. (2006). An analysis of hope as a psychological strength. *Journal of School Psychology*, 24, 401-421.

-Yee Ho, M., Cheung, F. M., & ShoFai-Cheung, S. F. (2010). The role of meaning in life and optimism in promoting well-being. *Personality and Individual Differences*, 48(5), 658-663.

-Yousefi, N. (2012). Evaluate the psychometric properties of self-differentiation scale. *Journal of Counseling and Psychotherapy family*, 1(1).

-Yousefi, N., & Kayani, M. (2012). the effect Gestalt therapy and therapy means to reduce the desire to divorce men seeking advice. *Journal of Counseling and Psychotherapy family*, 1, 150-158.

-Zare, H., Ghojaeri banab, B., Shams., A & Sadegh Khani, A. (2012). Relationship between attachment styles and forgiveness with their marital satisfaction. *Journal of Counseling and Psychotherapy family*, 3(8), 22-43.

-Zandipour, T., & Yadegari, H. (2011). Relationship forgiveness and life satisfaction in women who married non-native students of Tehran University. *Journal of Social Psychological Studies*, female, 5(3), 109-122.

-Zehtab Najafi, A., Drvyzeh, Z., & Peyvasteh gar, M. (2011). The relationship between forgiveness and marital satisfaction Kermanshah. *Journal of Women and Culture*, 2(8), 23-33.

-Zandipour, T., Azadi, SH., & Nahed Pour, F. (2011). Investigate the relationship between personality traits, forgiveness and mental health of couples referred to health centers in Gachsaran. *Journal of Sociology, Women*, 2(2), 1-18.